

معماری و شهرسازی پس از جنگ هشت ساله ایران

سید محمد مطلبی^۱، بهنام یوسفی^۲، میثم معصومی^۳، محمد علی باقری^۴ و عبدالرضا میرزایی^۵

۱ فارغ و التحصیل ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات اراک motalebi2710@gmail.com

۲ فارغ التحصیل علوم اجتماعی گرایش برنامه ریزی در مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز

Amirreza688@gmail.com

۳. لیسانس معماری Mhm1122@yahoo.com

۴. کارشناس معماری 56 mohammadbagheri@yahoo.co

۵. فوق دیپلم عمران دانشگاه کرمانشاه Abdoreza.m1348@gmail.com

مقدمه

ایران در مرز میانه گرایش های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سوء و مختصات نظم پذیری و بریدن از هستی شناسی به شیوه کهن و روی آوری به معرفت شناسی^۱ از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر؛ قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطوره ها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است. جنگ هشت ساله ایران یکی از عوامل بازدارنده اجرای طرح های بزرگ شهرسازی در پایتخت است. رفع محرومیت از کشور اولویت نخست کشور بوده بنابراین فرصتی برای اجرای پروژه های نظیر ورزشگاه آزادی فراهم نبوده است.

اینک جهان غیر غربی به علت فاصله شدید از تولیدات فکری و مادی جهان غرب؛ و در عین حال وابستگی گریز ناپذیر به آنها؛ چاره ای ندارد جز یافتن راه حلی که بتواند به صورتی فراگیر؛ تمامی جنبه های دخیل در آنچه را خواسته یا ناخواسته معروض سیطره آن قرار گرفته است؛ در بر گیرد تا بدین طریق امکان ارتباط با جهان خارج از خود را داشته باشد. از طرف دیگر جهان غرب نیز در خلا معنایی حاضر؛ گریزی جز شناخت فرهنگ های دیگر کشورهای جهانی ارتباط با آنها به منظور ادامه حیات خود نمی یابد. شهرها روز به روز مرزهای خود را از چند جهت گسترش می دهند و این گسترش مرزها به طور مستقیم با هجوم سیل جمعیتی تازه که برخوردار از انواع نیازهای روزمره و طبیعی هستند؛ همراه است. بی شک استفاده برابر و مناسب تمام گروه های اجتماعی و خاصه گروه های آسیب پذیر اجتماعی، از فضاهای شهری بایستی مورد توجه قرار گیرد و این یکی از اساسی ترین حقوق شهروندی در عرصه اجتماع به شمار می رود. چنان چه در دین اسلام نیز تاکید خاصی بر شکل گیری و ایجاد عدالت اجتماعی در میان اقشار اجتماعی شده است.

شروع معماری معاصر ایران را می توان از حدود سال ۱۳۰۰ به بعد دانست این زمان است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد سیمای شهرهای ایران محول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید مانند ادارات، کارخانه ها، بانکها، ایستگاههای راه آهن، دانشگاه و غیره و همچنین واحدها و مجموعه های مسکونی جدید در شهرها بوجود آمدند. این بناها برخلاف بناهای پیشین که معماران سنتی طراحی شده اند که در ابتدا غیر ایرانی بودند و بتدریج ایرانیانی که در مدارس معماری خارج از ایران تحصیل کرده بودند و به دنبال آن فارغ التحصیلان اولین مدرسه معماری در ایران در حدود سال ۱۳۲۰ نیز به آنها اضافه شدند. از همان ابتدا و از طراحی اولین آثار در معماری ایران دو جریان موازی هم پدید آمد یک جریان که هیچگونه توجهی به میراث فرهنگی گذشته ایران نداشت و جریانهای معماری معاصر جهان را با یک دوره تاخیر و به صورتی غیر ماهرانه تقلید می کرد و جریان دیگری که کوشش داشت هر چند سطحی اما رابطه خود را با معماری گذشته ایران باقی نگاه دارد. البته هر دوی این جریانها که تا به امروز در ایران ادامه دارند موفقیت چندانی بدست نیاورده اند. آن بخش از معماری که دنباله روی جریانهای معماری معاصر جهان بودند به علت عدم ارتباطی که با آن داشتند و با توجه به تاخیری که در انتقال مبانی و اصول این معماری به ایران صورت می گرفت و بالاخره به علت عدم تسلط بر این اصول و بد فهمی آن صرفاً به تقلید ناشیانه جریانهای معماری معاصر جهان پرداختند و جریان دیگری که معماری گذشته ایران و پیوند با آن را مطرح می کرد نیز عمدتاً به تقلید سطحی و ساده لوحانه و در مواردی زنده از معماری گذشته ایران بسنده کرد.

در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است و روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فلسفه اجتناب ناپذیر می باشد. دشواری این تحلیل از همین جا آغاز می شود. چرا که کالبد همیشه قابل نقد علمی است، به ویژه هنگامی که این نقد در ارتباط با محیط فیزیکی و جغرافیایی صورت می گیرد. مطلب پیچیده تر، راز فضای فرهنگی است که بدون سفر عاشقانه در ژرفای انتزاعی و معنوی آن به دست نمی آید. تمام

¹ epistemology

معماری‌های برجسته جهان رازی دارند که فقط با چشم دل می‌توان به آن راه یافت. در این پژوهش به معماری و شهرسازی پس از جنگ هشت ساله ایران پرداخته میشود و در نهایت به مقایسه معماری پس از جنگ هشت ساله ایران و معماری غربی پرداخته میشود.

پیدایش فرم در معماری ایرانی

آثار موجود در معماری ایرانی مجموعه‌ای به هم مرتبط هستند که در طول قرون متمادی تحول یافته‌اند. درنگاهی به سیر تحول معماری، پرداخت به تاریخ تحول فرم در معماری و خاستگاه آن از ضرورت برخوردار می‌شود. شناخت آن که فرم‌های اولیه در چه دورانی شکل گرفته‌اند، چگونه به تکامل رسیده و تبدیل به فرم‌های اصلی شده‌اند، و چگونه منشاء الهام برای آثار بسیاری در طول قرون متمادی بوده‌اند، موضوعی است که دارای اهمیت در شناخت راز و رمز معماری غنی و توانمند ایرانی است. (ضرغامی و همکاران ۱۳۹۳)

هنگامی که از فرم معماری بحث می‌شود، باید در نظر داشت که منظور تیپولوژی فرم‌ها است، که در چهارچوب مباحث تیپولوژی در معماری مطرح می‌شود.

یعنی فرم می‌تواند به پلان اطلاق شود، و یا به شکل و حجم، و یا به هر دوی آنها. بنابراین فرم معماری واجد فضایی می‌باشد. روشن کردن این مسأله از این نظر حائز اهمیت است که هنگامی که به فرم‌های اولیه و ساده اشاره می‌شود، منظور هنوز فرم‌هایی است که واجد مشخصه فضایی می‌باشند. بدین ترتیب در این بحث نسبت به عناصر معماری نظیر ستون، سرستون، سقف، دست‌انداز بام و... پرداخته نمی‌شود، علیرغم آن که در بسیاری از فرم‌های اولیه شاهد حضور حداقلی از این عناصر می‌باشیم. لیکن حد خلوص فرم معماری، و یا حد تعیین فرم‌های اولیه بر این اساس روشن می‌شود که هنوز واجد مشخصه فضایی باشند، بدین ترتیب برای تجسس و شناخت فرم‌های ساده و اولیه، رجوع به آثار معماری ایران پیش از ورود اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است.

همچنین با توجه به موضوع این مقاله که خاستگاه فرم‌های اولیه در معماری ایران را جستجو می‌نماید، بحث در ابعاد متافیزیکی و ریشه‌یابی منابع الهام این فرم‌ها نیز طبیعتاً می‌تواند از اهمیت بسیار برخوردار باشد. همانگونه که در بسیاری از متون معماری نیز به این وجوه اشاره می‌شود. لیکن در این مقاله با توجه به هدف خاصی که در ارتباط با مطالعات تیپولوژیک در نظر بوده است، صرفاً مباحث از دیدگاه کالبدی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با توجه به موارد فوق، فرم‌های اولیه که در چهارچوب بحث تیپولوژی می‌توانند قابل طرح باشند، عمدتاً فرم‌هایی ساده بوده‌اند که خود در قالب یک بنای کامل شکل گرفته‌اند. تحول و تکامل این فرم‌های ساده در قالب «فرم‌هایی مرکب» بناهای دیگری را به وجود آورده است که جریان تکامل تاریخی معماری ایران را می‌توان بر مبنای این تحولات و نهایتاً دگردیسی‌ها مورد ملاحظه قرار داد.

معماری پس از انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی، معماری معاصر ایران با نقطه عطفی در حرکت تاریخی خود روبه رو گردید. در این مقطع از تاریخ کشور، خواست هویت طلبانه مردم ایران با مطالبات حق خواهانه ای نظیر استقلال ملی، آزادی و حاکمیت بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، همراه گردید. فروپاشی دستگاه حاکمه و تغییرات ناشی از انقلاب موجب توقف ساخت و سازهای کلان و طرح‌های تهیه شده گردید و به بیکاری معماران و مهاجرت برخی از ایشان به خارج از کشور منجر شد. در پی این اتفاقات، رویداد انقلاب فرهنگی با هدف ایجاد اصلاحات در نظام آموزش عالی کشور به تعطیلی دانشگاه‌ها برای مدت سه سال انجامید. در این مدت، فقدان تحرک قابل ملاحظه در انجام کارهای نظری و پژوهشی و نیز بستری آکادمیک برای شکل‌گیری نظریات معماری محسوس بود. (نادری ۱۳۹۳)

پس از انقلاب اسلامی، در روند نوین آبادانی، با شکل‌گیری نهادهایی نظیر جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در راستای تحقق شعارهای عدالت طلبانه انقلاب، وجهه همت مصروف توسعه و آبادانی روستاها و نیز پاسخگویی به نیازهای اقشار محروم گردید. علیرغم این امر پدیده مهاجرت گسترده‌ی روستاییان به شهرها، که پس از اصلاحات ارضی دهه‌ی قبل و با

افزایش درآمدهای نفتی شروع و سرعت گرفته بود همچنان استمرار یافت و موجب افزایش جمعیت شهرها شد و در درون خود آستن تهیه ی حجم گسترده ای از طرح های آماده سازی گردید که به ساخت و ساز گسترده ی مسکونی در شهرها بدون تبعیت از الگویی مناسب انجامید. در همین هنگام جنگ هشت ساله ایران به همراه تحریم اقتصادی شرایط نامناسب اقتصادی را برای کشور پدید آورد که امکان تداوم جریان معماری را به معنای قبل سلب می نمود.

در این دوره عطف توجه به مفاهیم معماری و شهر اسلامی و نیز چگونگی بازگشت به هویت معماری خودی مسئله ای است که ذهن صاحب نظران را به خود مشغول می دارد و محور گفتمان مسلط معماری و شهرسازی می گردد. غایت مورد انتظار این امر، هدایت معماری ایران به سوی یک معماری با هویت مستقل و متکی بر میراث معماری گذشته ی خود بود. معماری که با اتکا به فرهنگ ظهور کرده، به گذشته احترام گذاشته و از سنت های آن درس می گیرد و در پی یافتن مفاهیمی از فرهنگ ایرانی و بیان آن در قالب کالبد معماری است. این رویکرد بدون این که از پیوستگی مناسبی با کوشش های پیشین برخوردار شود و به نتایج متقنی دست یابد در غوغای گرایش های دوره ی بعد کم رنگ می گردد.

به طور کلی در یک نگاه، این دوره در تاریخ معماری معاصر ایران، که فاقد تعداد آثار شاخص بوده و گفتمان نظری معماری نیز از دایره ی محافل نیمه رسمی حرفه ای و دانشگاهی فراتر نمی رود را می توان «دوره سکوت» نامید. چرا که به دلیل عدم ثبات و آرامشی که لازمه ی تحقق جریانات پایدار در قالب شکل گیری آثار معماری می باشد و نیز بحران اقتصادی کشور در این دوران، نمی توانیم شاهد پیدایش آثار شاخصی در حوزه ی معماری باشیم. این در حالیست که این دوره می توانست با دارا بودن قابلیت ایجاد تحول در تمام شئون اجتماع به جهشی ناگهانی و نتایج چشمگیر در معماری دست یابد.

با پایان جنگ هشت ساله ایران و آغاز دوران بازسازی پس از آن، جبران صدمات وارده از سوی جنگ و توسعه ی اقتصادی و اجتماعی، اصلی ترین وظیفه ی دولت محسوب شده و شرایط نوینی مهیا گردید که رونق فعالیت حرفه ای معماری را می توان یکی از ویژگی های آن به شمار آورد. نیاز به توسعه توانایی های کمی و کیفی نهادهای حرفه ای و مهندسی مشاور برای پاسخ به نیاز فوری کشور جهت تهیه ی طرح و اجرای پروژه های عمرانی، تبدیل به بستری مناسب برای تکوین و رشد سازمان های صنفی و حرفه ای، گسترش آموزش عالی و رونق گفتمان معماری می شود. وزارت مسکن و شهرسازی، با برگزاری جلساتی ماهانه، فضای گفتمان رسمی در مورد معماری و شهرسازی را می گشاید ولی این مباحثات از چارچوب داعیه های طراحان نسبت به مشی خویش فراتر نمی رود. در همین زمان، با انتشار نشریه ی آبادی این مباحث به ارگانی راه می یابد که مروج مباحث معماری روز می گردد. گسترش چشمگیر دانشکده های معماری بالاخص در نهادهای غیردولتی از دیگر پدیده های این دوره محسوب می شود.

شهر سازی پس از جنگ

در ۱۳۶۱ ش «ستاد مرکزی بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ»، که مشتمل بر چند وزارتخانه بود، عملاً کار بازسازی مناطق تخریب شده را آغاز کرد؛

در شهریور ۱۳۶۹، براساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظایف و اختیارات رییس جمهور^[۱] و دولت^[۲] درباره بازسازی مناطق جنگ زده به معاون اجرایی رییس جمهور واگذار شد.

بنابر آمار رسمی ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده کشور، بازسازی اماکن ۸۲ شهر به پایان رسیده است و بازسازی پنج شهر دیگر در دست اقدام است.

از شهرهایی که بر اثر جنگ هشت ساله ایران در ایران تخریب و پس از پایان جنگ بازسازی شده یا در حال بازسازی است باید از شهر هویزه و شهرایلام نام برد.

همچنین باید از بازسازی فرودگاه و قسمتی از پالایشگاه نفت آبادان و بازسازی بخشی از شهر و بندر خرمشهر و ایستگاه راه آهن^[۳] سایر شهرهای ویران، مانند مهران، سوسنگرد، دهلران، سرپل ذهاب، مریوان، قصر شیرین و گیلان غرب سخن گفت.

از اقدامات دولت برای حل مسئله اشتغال در مناطق جنگ زده، اهدای کمک بلاعوض، وام^[۴] تسهیلات آموزشی و تفریحی، و نیز دادن وامهای ویژه با نرخ پایین، و مواد ساختمانی به نرخ ویژه، برای تأسیس کارگاههای کوچک، بوده است.

همچنین دولت برای بازگشت آوارگان به محل زندگی‌شان تسهیلاتی پدید آورده و مبالغی برابر حقوق یک سال آنان برای یاری رساندن به اسکان مجدد اختصاص داده و برای کسانی که خانه‌هایشان بر اثر جنگ ویران شده، کمک دولتی تعیین کرده است. طبق این برنامه، پرداخت حداکثر شش میلیون ریال، همراه با مصالح ساختمانی برای حداقل شصت مترمربع و حداکثر ۱۲۰ مترمربع، در نظر گرفته شده و بدین ترتیب، دولت ۵۰٪ هزینه ضروری برای بازسازی و نوسازی ساختمانهای مسکونی را تأمین و با پرداخت وامهای تضمینی با نرخهای پایین، باقیمانده هزینه ساختمان را عهده دار شده است.

این کمک مالی، برای بناهای بازرگانی، به صورت پرداخت حداکثر ۱٫۵ میلیارد ریال برای هر واحد است؛ و دولت در صورت مطالبه کمک بیش‌تر متقاضیان، به هر واحد تولیدی (کشاورزی، دامداری و نساجی) مبلغ حداکثر شش میلیون ریال به همراه مواد ساختمانی به نرخ دولتی، می‌پردازد.

غیر از سازمانهای دولتی (بویژه وزارت جهاد سازندگی)، تعدادی از سازمانهای غیردولتی نیز در یاری رساندن به آسیب دیدگان جنگ و بازسازی مناطق ویران شده شرکت دارند که از آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد مهاجران جنگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی و هلال احمر می‌توان نام برد.

پس از پایان جنگ، دبیرکل سازمان ملل متحد، به منظور اجرای بند هفت قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، گروهی از کارشناسان را (با مأموریت تحقیقاتی در ایران) به قصد کسب اطلاعات مقدماتی درباره ماهیت و میزان خسارتهای وارد شده بر کشور در طول جنگ و تحقق این امر از طریق بازدید محلی و جمع‌آوری اطلاعات درباره برنامه بازسازی دولت ایران، اعزام کرد و مدت مأموریت این هیئت در ایران از ۱۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۷۰ بود.^[۱]

پس از مدتی، سازمان ملل، براساس برآورد دولت ایران، خسارتهای مستقیم جنگ هشت ساله ایران را ۹۷ میلیارد و دویست میلیون دلار اعلام کرد؛ همچنین خسارات غیرمستقیم مالی ایران را (طی هشت سال جنگ)، ۵۳۵، ۳۴ میلیارد ریال تخمین زد.

در گزارش فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد به ایران، بخش بزرگی از خسارتهای وارد بر محیط زیست، ساختار اجتماعی کشور، تلفات انسانی و معلولیتها غیرقابل محاسبه اعلام شده است.

بازسازی شهرها تنها به مرمت ویرانه‌های جنگی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ترمیم خرابی شهرها بر اثر بلایای طبیعی نظیر زلزله (مثلاً زلزله رودبار ۱۳۶۹ ش)، و سیل و طوفان^[۲] نیز می‌شود.^۲

مقایسه معماری معاصر با غرب

چندی است که در جامعه معماران از عقب ماندگی معماری ایران و از پیشرفت و اعتلای معماری معاصر غرب سخن گفته می‌شود و عنوان شده این عقب ماندگی ما را مجبور به کپی نمودن از معماری غرب نموده است.

در این مقاله نگارنده قصد دارد سیری در معماری معاصر ایران را ذکر نموده و سپس با معماری غرب مورد مقایسه قرار دهد. لازم به ذکر است که در شرح و بیان ممکن است به موارد و مطالب گوناگونی اشاره شود که باعث قوت و یا ضعف مقاله گردد و یا موجب اعتراض اشخاصی واقع شود که در این مورد از آن گروه (معترض) درخواست می‌گردد اشتباهات را نادیده گرفته و با دید مثبت و بی طرفانه مطالب را مورد مطالعه و سنجش قرار دهند. (ضرغامی و همکاران ۱۳۹۳)

نسل جوان نیاز به دانستن تاریخ و تمدن کشور خود دارد و دلایل پس رفت هنرها را با ذکر دلیل خواستار است که میبایست توسط بزرگان و محققین و صاحب نظران اطلاع رسانی این مهم باید انجام گیرد که در این راستا لازم است این فرصت را از

^۲ ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده، عملکرد ده ساله بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده از جنگ، ج ۱، ص ۳۴-۳۵، تهران ۱۳۷۱ ش.

محققین و نویسندگان بنا بدلائل منسوخ شدن و یا برخلاف سیاست جاری نگیریم و اجازه دهیم پلی به گذشته هنر ایران توسط محققین و پژوهشگران بنا شود تا بتوانیم عقب ماندگی و یا رکود در زمینه مختلف از جمله هنرها را جبران کنیم.

نگاهی به جهش معماری در غرب (از معماری تا مهندسی معماری)

سبک های مهم معماری غرب یکی مربوط به قبل از انقلاب صنعتی و دیگری به بعد از آن مربوط می شود یعنی هنر معماری قبل از قرن ۱۸ و دیگری بعد از قرن ۱۸ (انقلاب صنعتی) که موجب تحول بسیار در معماری دنیا مخصوصاً "معماری غرب گردید معماری به مهندسی معماری تبدیل شد.

تیر آهن و سایر فرآورده های آهنی کاربرد در تیروستون و سایر مکانهای لازم بکار گرفته شدند. کاربرد آهن در اسکلت ساختمان به معماران اجازه داد تا پنجره های وسیع از ستون به ستون در نظر بگیرند.

کاربرد آهن در ساختمان ها و ابنیه شهری باعث شد که پوشش سقف ها از تیر چوبی و یا سقف های گنبدی آجری و سایر مصالح به سقف های پوشش با تیر آهن و سایر تیرهای فلزی به اجرا درآمد و ساخت ساختمانهای رفیع (برجها به سبک شیکاگو) در آمریکا در قالب معماری مدرن اولیه بسرعت انجام شد. این اعتلای معماری موجب جهش در ساخت و ساز گردید. پل های فلزی و یا سقف های ایستگاه های راه آهن و سایر سالن ها با اسکلت آهنی احداث شدند و این روند در ساختمانهای مسکونی به شدت رواج پیدا کرد و در نوشته ها آمده است که مسئله ساخت و ساز توسط سرمایه گزاران باشتاب جهت کسب سود بیشتر رشد نمود و حرفه بسازو بفروش از نتایج آن می باشد (نادری ۱۳۹۳)

آسمان خراشها ساخته شدند و معماری مدرن و پست مدرن و ارگانیک و و نئو مدرن و معماری تک و معماری اکو- تک و فولدینگ و..... سایر شیوه های معماری که از انقلاب صنعتی به بعد پا به عرصه معماری نهادند دنیا گیر شدند.

اروپا و آمریکا سردمدار این نهضت بوده و اکنون خود را در جایگاه رفیع هنر معماری می دانند. کاخها و فروشگاهها و ساختمانهای مهم شهری نیز از این ره آورد بی بهره نماندند. و این چنین معماری معاصر غرب از مدرن اولیه به معماری پست مدرن و معماری نئومدرن و معماری های تک- تک و معماری اکو - تک و معماری ارگانیک و نئو کلاسیک و فولدینگ و سایر شیوه ها ارتقاء پیدا کرد که در حال حاضر غرب پرچمدار این هنر می باشد.

شهرسازی و معماری در دوران پهلوی

در طول تاریخ معاصر از قاجار تا به امروز دوره پهلوی اول، یکی از مهمترین دوران تحولات و دگرگونی های تاریخ بوده است. این تغییرات و تحولات فاحش عوامل گوناگونی در جنبه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم داخلی و هم جهانی دارد و همیشه پایتخت بهترین و معمولاً اولین مکان برای ظهور این تحولات می باشد.

تقبل وظیفه جدید در تهران

رضاخان برای انجام اقدامات خویش نیاز به افزایش قدرت چه از نظر تشکیلات و سازمان اداری و هم از نظر مالی داشت. این نیاز باعث رشد و تمرکز دستگاههای اداری نظامی شد که منجر به پیدایش یک دولت بوروکراتیک گردید که روز به روز به مدد درآمد نفت گسترده تر می گردید. به این ترتیب پس از انقراض سلسله قاجار، امور مملکتی در پایتخت متمرکز گردید و تعداد کارکنان دولتی در شهر به سرعت افزایش یافت و به این ترتیب شهر تهران علاوه بر دو وظیفه قبلی (سیاسی و تجاری) وظیفه جدید که وظیفه اداری بود را نیز تقبل نمود.

عملکردهای جدید شهری

تجددطلبی و نوگرایی، جمع شدن نخبگان اجتماعی، نیازهای زائیده شده از شرایط اجتماعی اقتصادی خواست هیات حاکمه برای خلق آرمانشهر خود که همانند پایتختهای کشورهای پیشرفته باشد ذهنیت تحول شهری را در تهران بوجود آورد و برای اینکه این تحول تکمیل شود می بایست عینیت، یا وجه مکمل ذهنیت نیز فراهم می آمد. ظهور فعالیتها و عملکردهای جدید شهری در تهران زمینه عینی کاربست مفاهیم مدرن را در تهران فراهم ساخت.

تحولات اقتصادی

تجددطلبی و نوگرایی، خودباختگی در برابر تغییرات جهان سرمایه داری و صنعتی کشورهایمانند ایران باعث شیفتگی و الگوبرداری شکلی نه محتوایی از کشورهای پیشرفته، سرمایه دار و صنعتی شده است. کشورهای جهان سوم فراموش کرده اند که کشورهای سرمایه داری قبل از این مراحل، مراحل پیش سرمایه داری را طی کرده اند و شرایط حاصل، حاصل تحولاتی خاص در کشورهای پیشرفته بود و آن تحولات در جامعه ما رخ نداده است. در این زمان منطق سود و سرمایه، ایجاد بازار جهانی و از میان بردن بازارهای محلی و به یک کلام صدور کالا حکم می کند که دیگر کشورها خود را با منطق آن منطبق سازند. مرحله نخست صنعتی شدن ایران در این دوره آغاز شد و اقتصاد ما بدون آنکه گذار از اقتصاد کارگاهی به اقتصاد تولیدی را شناخته باشد و بدون اینکه به جامعه تولیدی تبدیل شود و بدون ایجاد را در خود جای می دهد. در این دوره منابع درآمد دولت عبارت بود از: منابع قابل توجه درآمد نفت که مستقیماً بوسیله دولت دریافت می شد، درآمد گمرکات، سایر مالیات ها غیر مستقیم و مالیات بر درآمد. انحصار درآمد نفت توسط دولت، دولت پهلوی را به نسبت دولت قاجار ثروتمند تر کرد.

از هم پاشیدگی جامعه تولیدی کشور، فاصله جامعه شهری از دو جامعه ایلی و روستایی درآمد دولت (مخصوصاً درآمد نفتی)، ورود بیش از حد سرمایه و کالاهای خارجی عواملی هستند که دولت را تبدیل به یک دولت قدرتمند اقتصادی کرد. و دولت به پشتوانه درآمد نفتی به تضعیف سازمان تولید می پردازد. دولت قدرتمند اقتصادی رضاشاه نقش روزی بخش را ایفا می کند. در این دوره ما شاهد اقتصادی دوگانه می باشیم آن بخش از اقتصاد که مربوط به صنعت نوپا (کارخانه کوچک ف صنعت نفت و سازمانهای پشتیبانی کننده آنهاست) در هماهنگی با بازار جهانی سرمایه شکل گرفته از اقتصاد صنعتی و مابقی شهر همچنان در چهارچوب قوانین ماقبل بازار به فعالیت خود ادامه می دهند. در این دوره با افزایش دریافت مالیات ارضی از مالکین، هزینه نوسازی شهر و پایین نگه داشتن قیمت فرآورده های روستایی به عنوان سوبسید باری چند شهر محدود که در راس آن تهران قرار دارد به انجام هزینه ها به نفع نخبگان شهری انجامید. (اعتصام ۱۳۷۵)

تحول معماری و تاثیر معماری غربی و شمالی در ایران

در این بخش سلسله وار نگاهی به معماری ایران متأثر از کشور های مجاور می گردد .
الف - شمال ایران سواحل دریای کاسپین (بخرخرز) از معماری روسیه الگوبرداری شد هکه با طبیعت منطقه سازگار است.
ب- جنوب کشور سواحل خلیج فارس به دلیل فقر معماری در آنسوی خلیج فارس معماری بومی و سنتی (معماری سنتی و سینه به سینه) به اجرا درآمدند که اکنون معماری محلی و سازگار با محیط در معرض نابودی است.
ج- در سمت شرق نیز تاثیر معماری هندی و در غرب تاثیر معماری ترکیه را اندکی می توان یافت.
د- در فسمت میانی کشور ایران (فلات مرکزی) معماری اقلیمی بسیار رواج داشت هرچند تحول اساسی در معماری ایران پدید آمد ولیکن بدلیل مشکلات آب و هوایی و عدم دسترسی به مراکز اقلیمی پر جمعیت فقط معماری کویری و استفاده از منابع محلی مورد توجه بود که متأسفانه معماری کویری ایران در حال نابودی است.
نکته : حمل مصالح و مواد ساختمانی مخصوصاً "حمل سنگ و آجر (مصالح مادر) بسیار مشکل بود و در بعضی موارد غیرممکن بود . وسیله نقلیه موتوری حتی برای سفر بسیار کم بود و از طرفی دیگر وسیله ای مکانیکی همچون کامیون به ندرت یافت می شد کشور دارای جاده های ارتباطی لازم (شوسه و یا آسفالت) نبود. (حسینی نژاد و همکاران ۱۳۸۵)
باتوجه به مطالب فوق نمی توان انتظار داشت که انقلاب صنعتی که در اروپا و دنیا رخ داد کشور ایران دارای تحول نگردد بلکه در همه زمینه ها ی اجتماعی و فرهنگی و صنعتی و .. از جمله هنر و مخصوصاً " هنر معماری دچار تحول گردید . نقاشان ایرانی با سفر به اروپا با هنر مدون نقاشی آشنا شدند . حجم راشنا ختند و ترسیم آن را فرا گرفتند .

هنر معماری در زمان پهلوی اول و دوم توسط وارطان آوانسیان (معمار ارمنی تبار ایرانی) با طراحی ساختمانها در سبک هنر نو و به اجراء درآمد و این روند در زمانهای بعد باعث گردید که معماران دانش آموخته داخلی و خارجی معماری و شهرسازی ایران را دچار تحول کنند بطوریکه هرچند ایران فاقد سبک و شیوه معماری نوین نمی باشد ولیکن معماران ایرانی توانسته اند در دنیا دارای جایگاه هرچند نه چندان رفیع گردند.

از دهه ۱۳۷۰ به بعد ارتقاء هنر معماری با توجه به امنیت کشور شدت بیشتری گرفت و در کوتاه مدت یک معماری بدون هویت برای بناها طراحی گردید ولیکن این روند پایدار نماند و از سال ۱۳۹۰ تغییرات چشم گیری در اعتلاء هنر معماری در ایران بوجود آمده است.

معماران بزرگ معاصر با آموزش به معماران جوان توانسته اند معماری ایران را کمی به پیش ببرند ولیکن ارتقاء سطح معماری جاری کشور نیاز به کمک و همراهی وزارت راه و شهرسازی و سایر متولیان شهری دارد. باید فرهنگ تغییر کاربری بعد از برنامه ریزی شهری و فروش تراکم خارج از ضوابط طرحهای جامع از بین برود. باید سعی گردد نظم حجمی شهری و توزیع جمعیت و مراکز در چهارچوب طرحهای جامع انجام گیرد و اگر این چنین شود معماری ایران دارای سبک و معماری متعالی خواهد رسید.

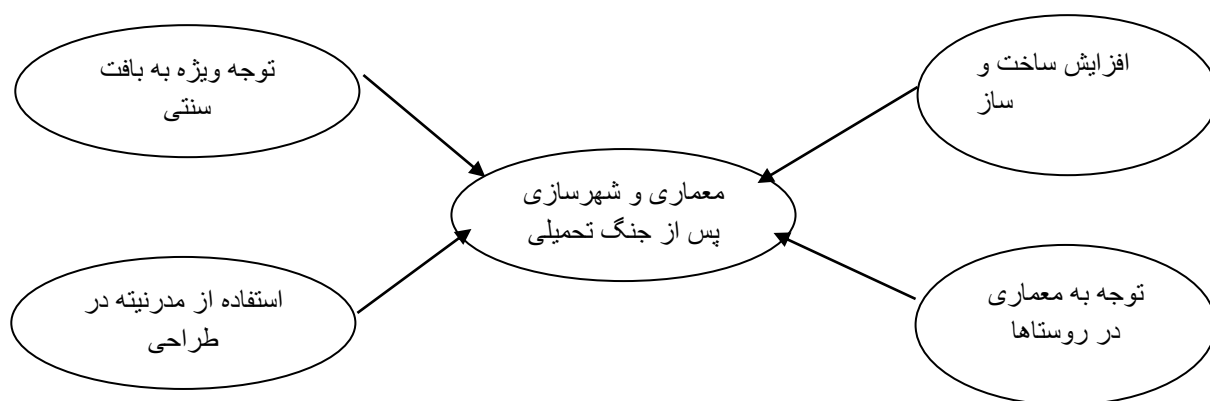
معماری اقلیمی که غربیان آن را در سبک معماری ارگانیک و سایر سبک های خود گنجانده اند در معماری اقلیمی ایران دارای جایگاه بوده است. معماری کویری دارای خصوصیات آب و هوایی خود می باشد و در هر منطقه رعایت شرایط اقلیمی باید سرلوحه طراحی بناها توسط معماران باشد.

در یزد اجازه احداث ساختمان با سقف شیب دار را ندهیم. در منطقه جنوب (سواحل خلیج فارس) معماری سازگار با محیط را طراحی نمائیم و از تهویه وزش باد ونسیم و نورگیری های غیر مستقیم استفاده نمائیم نه آنکه همان طرحی را برای آن مناطق طراحی نمائیم که مثلاً" در شهر قزوین طراحی میگردد.

منطقه گیلان و مازندران دارای روحیات و طبیعت خاص خود می باشد که باز در این مورد توصیه نگارنده بکارگیری شرایط اقلیمی با توجه به شرایط و وضعیت زمین است.

مدلسازی

با توجه به توضیحات ارائه شده مدل ذیل برای معماری و شهرسازی پس از دوره جنگ هشت ساله ایران در ایران ارائه میگردد:



صاحب نظران در معماری

فرهاد احمدی

فرهاد احمدی فارغ التحصیل رشته معماری و شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ است. وی پس از انقلاب اسلامی، کار خود را با ساخت مجموعه های مسکونی و خدماتی در مناطق محروم استان خراسان، و بعد از وقوع جنگ

تحمیلی نیز در بازسازی مناطق جنگی شروع کرد. طراحی غرفه ایران در نمایشگاه جهانی تسوکوبای ژاپن نکات قابل توجهی را در دیگه وی نسبت به تبیین ارزش های فرهنگی و مفهومی هنر ایران در برابر دستاوردهای تکنولوژیکی کشورهای صنعتی جهان، در معرض تماشای همگان قرار دارد. طرح مرکز فرهنگی دزفول در حین وقوع جنگ در این منطقه جنگی، نقطه عطفی محسوب گردید که سالها بعد به عنوان طرح برگزیده معماری معاصر ایران، از سوی برگزار کنندگان همایش دو سالانه بین المللی کشور نروژ (۱۹۹۸) برای ارائه در جمعی از معماران بین المللی و همچنین در بنیاد معماری آفاخان معرفی گردید که در پایان به تفصیل شرح داده خواهد شد.

طرح و اجرای و مراکز فرهنگی در شهرهای برجسته ایران - نظیر اصفهان و تبریز - و بازسازی و گسترش ال گلی (مجموعه تاریخی در تبریز) و مرکز فرهنگی - تجاری کرمان، طرح غرفه های ایران در نمایشگاه های جهانی مکزیک، دبلیو، آلمان و ایتالیا، که در این میان شاید برجسته ترین آنها نمایشگاه جهانی کره (EXPO, 93) باشد، از مهمترین کارهای او در دهه گذشته است.

از آخرین طرح های او در سال های اخیر، چند نمونه در اینجا معرفی می شوند که عبارتند از: طرح کتابخانه ملی ایران (مسابقه، ۱۳۷۴)، کتابخانه نسخ خطی و فرهنگ ایران در پاکستان (مسابقه، ۱۳۷۵) طرح مرکز مدیریت صنعتی کردان (مسابقه، ۱۳۷۶) سفارتخانه و منزل سفیر ایران در سنول (کره جنوبی، ۹-۱۳۷۸). منظور از این بررسی آن است که نشان داده شود چگونه معانی و مفاهیم ویژه فرهنگ ایران در صورت ها و کارکردهای گوناگون این آثار نمود یافته و معماری را از صورت نثر و نظم خارج ساخته و به دنیای شعر برده است. سیمای چهار طرح اول، با توجه به اینکه فضاهایی عمومی اند، از نظر ظاهری به هم نزدیک ترند و طرح پنجم، به دلیل خصوصی بودن و ویژگی مسکونی آن، دارای شکل متفاوتی است. در عین حال، همان گونه که خواهیم دید، در همه آنها از اصول ثابت در اعتقادات و باورهای آیینی و مذهبی ایران پیروی شده، در عین حال که صورتی امروزی را با استفاده از فن آوری و مفاهیم مطرح در معماری معاصر به نمایش گذاشته است. شکل نمادین و رمزگونه آنها، در مواجهه با مخاطبان متعلق به فرهنگهای متفاوت، حامل معانی گوناگون و متنوعی است که کدگذاری چند جانبه ای در خود دارد. برای شناخت این کد گذاری، ذکر مقدماتی ضروری می نماید.

در ایران، هنر به منزله عالم مثال، و جهان واسطه میان عالم روحانی و خاکی شناخته می شد و اثر هنری به مثابه آینه ای تلقی می گردید که "عالم معنا" را در "ماده" باز می تابانید، به گونه ای که دیگر عرصه های زندگی بشر خاکی نیز از قلمرو روحانی آن تفکیک ناشدنی می نمود. صورت های معماری و باغسازی و شهرسازی نیز از خصوصیت صدور وحدت به کثرت، شکل میگردفت و از خصلتی نمادین و تمثیلی در بیان این نکته، به صورت "ماندالا" به دور "مرکز درونی" متجلی میگردد. در جهان غرب، مارتین هایدگر، فیلسوف معاصر آلمانی که نظریات هنری بسیاری، متأثر از اندیشه فلسفی اوست، در باز گرداندن هنر به عالم معنا در جهانی که در تلاش برای پدید آوردن "فرم محض" خالی از معنا می نمود، به جهان شاعران پناه برد و در آرزوی تصویر ساختن "سکونت شاعرانه انسان بر روی زمین و در زیر آسمان" از مفاهیم شاعرانه در ادبیات و صورتهای از معماری کمک گرفت.

بنای مجموعه فرهنگستانهای ایران

طرح این بنا در پایان دوره کار فشرده چهارماهه، در اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ برنده اول مسابقه ای شد که به عنوان بزرگترین مسابقه معماری بعد از انقلاب از سوی سازمان مجری ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی وزارت مسکن و شهرسازی برگزار شد. این بنا، طبق برنامه، شامل سه فرهنگستان علوم، علوم پزشکی و زبان و ادب پارسی با مجموع مساحت ۱۲۰۰۰ متر مربع، فضاهای کار گروههای علمی به مساحت ۱۲۰۰۰ متر مربع، کتابخانه و سایر بخشهای جانبی به مساحت ۱۲۹۵۰ متر مربع، مجتمع گردهماییها به مساحت ۲۱۴۵۰ متر مربع، و جمعاً به مساحت کل زیربنای ۵۸۴۰۰ متر مربع بوده، و محل

اجرای آن قطعه زمینی به وسعت بیش از ۸۲۰۰۰ متر مربع، در اراضی عباس آباد تهران در نظر گرفته شده است. البته مدتی بعد از نتایج مسابقه، به دلایلی، طرحی دیگر جایگزین آن شد که هم اکنون در محل تعیین شده در دست اجراست.

در طرح میرمیران کل اجزاء برنامه در چند عنصر اصلی زیر خلاصه شده است:

۱- سطح افقی وسیعی به ابعاد ۲۰۰*۸۵ متر که در بلندترین قسمت زمین (به فاصله ۸۰-۷۰ متر از مرز زمین میدان ورودی مجموعه) و در جهت شرقی - غربی قرار گرفته است. این سطح افقی یا «صفه»، بدون مداخله زیاد در توپوگرافی طبیعی زمین، به شکلی روی زمین نشست است که در جایی تقریباً همسطح و در جایی بلندتر از سطح زمین است و در جبهه شمالی نیز بخشی از تپه تقریباً جزئی از «صفه» است. این سطح وسیع و گسترده، با توجه به موقعیت و چشم انداز بسیار زیبایی که داری محل برگزاری اجتماعات و مراسم بزرگ در هوای آزاد، و در عین حال عنصر پیوند دهنده سایر اجزاء مجموعه است.

۲- بنای رفیع، در منتهی الیه شرقی صفه، شامل سه برج بلند و در کنار هم، که در چند طبقه بالایی به هم وصل شده و دو دروازه بلند به وجود آورده اند که از میان آنها قلعه دماوند پیداست. هر یک از این سه برج بلند یکی از فرهنگستانهای پیش بینی شده در برنامه را در برمی گیرد و چند طبقه بالایی نیز، که آنها را مانند تاجی به هم وصل می کند، به کتابخانه اختصاص یافته است این سه برج، از پشت و در منتهی الیه جبهه شرقی، سه جزء عظیم مثلث شکل تکیه کرده اند که آنها را روی زمین استوار نگه می دارد.

۳- یک برآمدگی کروی شکل در منتهی الیه غربی صفه، و روبه روی بنای بلند فرهنگستانها، که سقف سالن اجتماعات ۱۵۰۰ نفره و مربعی شکلی را، که مهمترین عنصر مجتمع گردهماییست، می پوشاند.

۴- یک حیاط، در داخل سطح صفه و بین دو عنصر اصلی دیگر (بنای فرهنگستانها و مجتمع گردهماییها)، که نمازخانه، چندین سالن، و بخشهای تکمیلی بنا، در سطح زیر زمین صفه در دو طبقه در اطراف آن قرار گرفته اند.

ورود به مجموعه از دهانه ای به عرض ۴۵ متر، که در ضلع شمالی میدان اصلی مجموعه باز شده است، صورت می گیرد (این میدان طبق طرح اراضی عباس آباد، دسترسی اصلی به مجموعه بنای فرهنگستانها، و کتابخانه ملی را که در سوی دیگر میدان قرار دارد، تأمین می کند). این ورودی از میان دو دیوار به پلکان وسیعی منتهی می شود که دسترسی به حیاط داخلی مجموعه، و از کنار نیز از طریق رامپی عریض دسترسی مستقیم به سطح صفه را برقرار می کند. ارتباط با عناصر اصلی مجموعه از راه حیاط مرکز تأمین می شود، و این حیاط را نیز دو پلکان وسیع، از داخل به سطح صفه متصل می سازد.

به مدد این آرایش خلاصه و ساده و صریح ترکیب و تمرکز مستحکم و بدیع عناصر اصلی، استقرار سنجیده روی زمین، وضوح، روشنی در ورود و مسیر حرکت مراجعان، و همچنین تصفیه و تجرید و به کارگیری هوشمندانه الگوها و فرمهای تاریخی (که میرمیران همه آنها را از اصول اساسی معماری گذشته می داند)، طراح به خوبی موفق شده است که ضمن خلق یک معماری با هویت ایرانی، اهمیت بنای فرهنگستانها را نیز به عنوان یک بنای شاخص ملی و یادمان شهری به بیننده القا کند.

نتیجه گیری

در هر دوره ای از تاریخ پادشاهان و فرماندهان وامیران اقداماتی انجام داده که برخی خوب و برخی بنظر بد میاید. چه خوبست هر دورا ببینیم و بد را از خوب تشخیص دهیم و در فکر حذف بدان در تاریخ نباشیم زیرا گل سرخ با خاردر کنارش زیباست. سنت گرایان بی منطق دارای عقده خود بینی هستند واگر این همه جنگ و خون ریزی و کشتار میشود فقط به دلیل دور بودن از منطق و حکمت الهی است. اگر سلامت جسم و فکرا می خواهیم / اگر علم و حکمت را می خواهیم / اگر علم ودانش را می خواهیم / واگر صنعت و تکنولوژی وسایر موارد مفید در زندگی را می خواهیم باید دریچه فکری خود را باز تر نموده وبا کسب علوم و هنر ها وفنون بتوانیم یک جامعه سالم وعاری از نادانی بوجود آوریم. در جهان امروز با توجه به دانش روز مرزی وجود ندارد و همه کشورها در یک دنیا هستند و صنعت و تکنولوژی و هنر ها متعلق به همگان است. جادارد این شعار را سرلوحه خود قراردهیم که هنر- صنعت - تکنولوژی جنبه جهانی دارد ونباید آن را حبس نمود وباید به شیوه ای آنها را متعالی نمود

. جنگ همواره با آرمان‌ها، اهداف، ویرانی‌ها و از دست دادن‌های مداوم همراه است که اگرچه همگان آن را نکوهش می‌کنند اما این اتفاق به شدت نکوهیده در برخی از موارد اجتناب‌ناپذیر می‌شود و جنگ هشت ساله ایران - ایران نیز از جمله مواردی بود که جامعه را دستخوش تغییراتی کرد و معماری نیز به دنبال آن دوران رکود را طی کرد. دلیل اینکه چرا پس از جنگ آثار درخشان قبل از انقلاب تکرار نشد را میتوان در تحلیل ذیل ارائه کرد: یکی این که در عمل، در این دوره به دلیل گرفتاری‌های دوران جنگ و حجم پایین منابع مالی، شهرداری‌ها نتوانسته‌اند در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند. نکته دوم این است که با وجود این که معماران، شهرسازان و طراحان متبحری داشته‌ایم، روند توسعه شهری به سمتی رفته که فضاهای بزرگ فاخر پروژه‌های بزرگی که می‌توانسته اتفاق بیفتد، دیده نشده است. یعنی همانطور که در گذشته شاهد احداث پارک ملت بودیم، در این دوره هم پارک‌های زیادی در شهر ایجاد شده، ولی دیده نمی‌شود، چرا که در مقایسه با توسعه جمعیتی، خیلی محدود است. این واقعیت وجود دارد و در آن شکی نیست، ولی نکته مهم این است که در دوره پایانی رژیم گذشته، از آنجا که به دنبال آن بودند که کشور را دارای تمدن بسیار پیشرفته و سرآمد نشان دهند و بحث ملی‌گرایی اولویت داشت، برای انجام این دست پروژه‌های عمرانی، خیلی هزینه می‌کردند، اما در این دوره، چنین رویکردهایی مطرح نبوده، پس پروژه‌های بزرگ و شاخص، دنبال نشده است. کار معماران و شهرسازان ارائه طرح‌ها و ایده‌هاست. اگر نمای ساختمان‌ها را مقایسه و تحلیل کنید، ساختمان‌ها از طراحی تا اجرا فاصله بسیاری دارند. من فکر می‌کنم به نوعی مسأله این است که در این دوره، در حوزه میادین شهری، پارک‌ها و بوستان‌ها و ساختمان‌ها تنزل کیفی داشته‌ایم. ساختمان‌هایی را که دارای معماری شاخص تاثیرگذار باشند و ساختمان‌هایی که ارزش‌های معماری را به رخ بکشد، کم داریم. حتی ساختمان‌های دولتی‌مان که می‌توانستند مجالی برای ظهور این قضیه باشند، به نوعی با تنزل و کاهش کیفیت روبه‌رو شده‌اند، ضمن این که من این را رد نمی‌کنم که نسلی از معمار شهرسازان ما که در پیش از انقلاب فعالیت می‌کردند، بعد از انقلاب از مجال فعالیت حذف شدند و به نوعی کارهای شاخص‌شان دیگر دیده نمی‌شود و این را باید تحلیل کرد که نسل جدید معمارشهرسازان ما چرا شکل نگرفته است. در شهرسازی معاصر ایران، پارک جمشیدیه یا پل طبیعت را داریم. نمی‌توان گفت اصلاً شکل نگرفته اما بخشی از کم‌کاری در این زمینه به سرمایه‌گذاری بخش عمومی و دولت در ایجاد فضاهای فاخر و دارای کیفیت بالا برمی‌گردد.

منابع

نادری، سیدسجاد، ۱۳۹۳، بررسی بازسازی انجام شده بعد از جنگ جهانی دوم جهت الگوبرداری برای طراحی شهری پایدار، کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی - شهر مصدر، امارات متحده عربی - دبی و ابوظبی، کانون سراسری انجمن های صنفی مهندسان معمار ایران، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد امارات.

ضرغامی، اسماعیل؛ سیدسهراب قاسمی و پیمان بهرامی دوست، ۱۳۹۳، تبیین دیدگاه‌های طراحی یادمانهای شهدای دفاع مقدس و مقابر مشاهیر ایران، اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده هنر و معماری

حسینی نژاد، فاطمه السادات و حسن اکبری، ۱۳۸۵، بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی کشورهای توسعه یافته در امر تامین مسکن بدون مانع، همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری، تهران، پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده، عملکرد ده ساله بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده از جنگ، ج ۱، ص ۳۴-۳۵، تهران ۱۳۷۱ ش.

اعتصام، ایرج، بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا - در مجموعه مقالات کنگر تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی، تهران ۱۳۷۵